

# شورش بر بنیان‌ها

[مسعود رضایی]

[مجموعه در بوته نقد]

[کتاب پانزدهم]

زمستان ۱۴۰۲

سرشناسه	: رضایی، مسعود، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: شورش بر بنیان‌ها / مسعود رضایی؛ ویراستار طیبه صالحی تجربشی.
مشخصات نشر	: تهران: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص.
فروست	: مجموعه در بوته نقد: کتاب پانزدهم.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۴۴-۰۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر خلاصه‌ای کوتاه و نقد مختصری از کتاب «شورشیان آرمانخواه: ناکامی چپ در ایران» تألیف مازیار بهروز است.
یادداشت	: چاپ قبلی: موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۴۰۲. (فیبا).
موضوع	: حزب توده ایران
موضوع	: Hezb Tudeh Iran
موضوع	: کمونیسم -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	: ۲۰th century -- Communism -- Iran -- History
شناسه افزوده	: بهروز، مازیار، ۱۳۳۷ -
شناسه افزوده	: Buhrooz, Maziar
شناسه افزوده	: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران
رده بندی خره	: ۷/HX۲۸۵
رده بندی دیور	: ۰۰۹۰۰۳۳
شماره کتابشناسی	: ۹۹۳۱۰۰۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا
تاریخ درخواست	: ۱۴۰۳
کد پیگیری	: ۱۹



عنوان: شورش بر بنیان‌ها  
 مؤلف: مسعود رضایی شریف‌آبادی  
 ناشر: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران  
 چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۳  
 شمارگان: چاپ اول ۵۰۰، چاپ دوم ۳۰۰ نسخه  
 قیمت: ۱۳۰ هزار تومان  
 ویراستار: طیبه صالحی تجربشی  
 صفحه‌آرا: عاطفه قدیری  
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۴۴-۰۱-۹  
 لیتوگرافی و چاپ:

آدرس: تهران- جنت‌آباد جنوبی، چهارباغ شرقی، ۱۶ متری اول شمالی، کوچه ریاحی غربی، پلاک ۵۵، واحد ۱

تلفن: ۴۴۴۶۶۴۵۱-۴۴۴۶۶۴۵-۰۴۴۶۱۷۶۱۵

فهرست

۷..... دیباچه

۱۲..... زندگی‌نامه نویسنده اثر

**بخش اول - بررسی کتاب**

۱۷..... پیشگفتار

۱۹..... مقدمه

**فصل اول**

۲۳..... شکست و احیا؛ شکست بزرگ چپ (۱۳۳۲-۴۹)

۳۳..... حزب توده و اتحاد جماهیر شوروی

۳۵..... فرقه دموکرات آذربایجان؛ دومین تشکیلات کمونیستی

۳۷..... نیروی سوم؛ خلیل ملکی و چپ‌گرایان مستقل

۴۱..... حزب توده در يك دهه گذار

**فصل دوم**

۴۷..... تنهاجم و بن‌بست؛ قهر و سرکوب (۱۳۴۹-۵۷)

۴۹..... چریک‌های فدایی

- مجاهدین (مارکسیست- لنینیست): تولد پیکار ..... ۵۷
- حزب توده و گروه‌های انشعابی کمونیست ..... ۵۹
- هسته‌های مارکسیستی در خارج ..... ۶۵

### فصل سوم

- انقلاب؛ رقص مرگ (۶۲-۱۳۵۷) ..... ۶۷
- فداییان و انقلاب ..... ۷۱
- پیکار و انقلاب ..... ۷۷
- حزب توده و انقلاب ..... ۷۹
- گروه‌های کُرد و انقلاب ..... ۸۳

### فصل چهارم

- چرا ناکامی؟ ..... ۸۷
- کمونیست‌ها و ترابری ناکامی ..... ۹۱
- کمونیست‌ها و عوامل سازمانی ناکامی ..... ۹۳

### بخش دوم- نقد و نظر

- نقد و نظر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران ..... ۱۰۳
- فهرست اعلام ..... ۱۲۱



## [دیباچه]

بررسی دقیق و عالمانه چگونگی تسلیح شدن محض برخی نیروهای تحصیل کرده این دیار در برابر نظرات تئورسین های چپ، کمونیستی - اعم از مارکسیستی، لنینیستی، استالینیستی، مائویستی و ... - امروز اندیشه و فرهنگی وارداتی، می تواند به نقد مؤثر مشکلی اساسی در تاریخ معاصر ایران، باری رساند. مسلماً در ظرف زمانی کنونی، جزم اندیشی برخی نیروهای تأثیرگذار فرهنگی و سیاسی در مورد سوسیالیسم و کمونیسم در چهار دهه متمادی (۳۶۰ - ۱۳۶۰) نه تنها قابل درک نیست بلکه شاید بسیار حیرت انگیز نیز به نظر آید. امروز باور این موضوع که در دوران مورد اشاره که حتی دیدگاه ها و نقطه نظرات آقای «انور خوجه» در آلبانی (به عنوان یکی از قطب های جهانی مطرح کمونیسم در ایران، به ویژه بعد از سازش مسکو و پکن با دیکتاتور حاکم بر ایران) برای تحصیل کردگانی از این دیار حکم وحی مُنزل داشته بسیار سخت است. اما بعد از فروپاشی بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و برداشته شدن دیوارهای آهنین از مرزهای قطب های کمونیسم جهانی به یکباره رویکردها تغییر کرد و چرخشی

در جهت مقابل صورت گرفت و نگاه‌های برگرفته شده از بلوک شرق متوجه بلوک سرمایه‌داری شد و آن خودکمی‌بینی این بار در برابر دیدگاه‌های توریسین‌های غربی بروز و ظهور یافت. علی‌القاعده روشنفکر هر جامعه را نیروی مولد فکری همان محیط با مختصات فرهنگی‌اش می‌شناسند؛ به عبارت دیگر، اهل اندیشه به‌عنوان پیشاهنگ ملت‌ها با مطالعه میدانی در فرهنگ و سنت‌های متعلق به سرزمین خویش، رسالت تقویت قوت‌ها و برطرف کردن ضعف‌ها و مهم‌تر از همه وظیفه خطیر نوآوری در این عرصه را برعهده دارد، اما می‌بایست در این امر تأمل شود که چه عاملی موجب شد که بخش قابل توجهی از روشنفکران این دیار اصراً نزدیک شدن به فرهنگ خویش را مایه شرمساری و رنگ تعلق پذیرفتن از فرهنگ بیگانه را واجب تقاخر بیندارند؟ برای دستیابی به پاسخ این پرسش می‌بایست برنا‌های سازمان‌های مخفی همچون فراماسونری در دوران قاجار و سپس فرصت‌های که ردتای ۱۲۹۹ خ. در خدمت بیگانه قرار داد را مطالعه موشکافانه کنیم. همان‌گونه که واقفیم همه شئون فرهنگی و تعلقات ملت ایران، اعم از معماری، موسیقی، عادات غذایی، پوشش و پوشاک، اعتقادات و ...، بعد از تسلط کامل بیگانه، به خشن‌ترین اشکال مورد حمله قرار گرفت و تحقیر شد. این برنامه همه‌جانبه که با هدف تضعیف و یزید کردن یک ملت با فرهنگ و قدمت تاریخی دنبال می‌شد روز به روز جماعتی از روشنفکران را با تعلقاتشان بیگانه و بیگانه‌تر ساخت؛ این روند تا جایی پیش رفت که همه آرزوهای این قبیل تحصیل‌کردگان برای پیشرفت و تحول در ایران در تمام مدت به فرهنگ بلوک شرق یا غرب (به‌عنوان دو بلوک قدرت) خلاصه می‌شد. اینان با چنین باوری طبعاً برای تحقق این آرزو تمام فرصت‌ها و امکانات خود را صرف ترویج فرهنگ مهاجم می‌کردند. به عبارت بهتر «آن‌چه خود داشتند ز بیگانه تمنا می‌کردند». چنین روشنفکری که به دلیل بیگانگی با فرهنگ خویشتن برای جامعه‌اش هیچ قابلیت و توانمندی قائل نباشد و نسخه دربست غربی شدن (غرب سرمایه‌داری) و شرقی شدن (شرق کمونیستی) را برای بهبود شرایط مردم بیچند، ضمن پذیرش سیاست تحقیرکننده بیگانه سلطه‌طلب به نوعی آن را تقویت نیز می‌کند. در بررسی تاریخی این پدیده مخرب بنیان‌های جامعه، این نکته حائز

اهمیت است که در هنگام تجدیدنظر غرب سرمایه‌داری در سیاست خشونت‌ورزانه آشکار خود در ایران برای ادامه سلطه، شرق کمونیستی دقیقاً در همین ایام (از دهه ۲۰ به بعد) بسیار آشکار و مستقیم با بنیان‌های اعتقادی مردم این دیار به مقابله برخاست. در حالی که ایران همواره در طول تاریخ در بطن خود یک جامعه کاملاً مقید به مبانی دینی بود و غرب سرمایه‌داری با استفاده از قلدری چون رضاخان نتوانست از طریق مقابله مستقیم به اهدافش نایل آید و ناگزیر از تغییر رویه و آراسته کردن نوع تقابل خود شد این قدرت نوظهور، اسلام و به‌طور کلی دین را علناً آفید، توده‌ها اعلام کرد. طبعاً تفکرات الحادی چپ که آشکارا به نفی بنیانی‌ترین اج‌عادات مردم می‌پرداخت نه تنها از سوی جامعه پذیرفته نمی‌شد بلکه منفور و عطا‌رود نیز می‌گشت. مزید بر این، وابستگی سیاسی و نظری و در نتیجه عملی گروه‌های چپ‌گرای ایرانی به قطب‌های کمونیسم جهانی (از اتحاد جماهیر شوروی تا ابله) در میان ملتی که طی چندین دهه از تبعات سلطه غرب به فغان آمده بود، حساسیت بیشتری را برمی‌انگیخت.

نکته حائز اهمیت در زمینه رفتارشناسی و تحلیل‌کردگان بیگانه شده با فرهنگ ملی این‌که بلوک شرق‌گرایان همچون بلوک غرب ایان که از دیکتاتوری رضاخانی (صرفاً به دلیل پشتیبانی انگلیس از وی) حمایت می‌کردند، در عمل به مشی دیکتاتور مآبانه استالین تاسی می‌جستند. این مسئله تماماً حاصلی است که نویسنده محترم کتاب شورشیان آرمانخواه نیز به آن اذعان دارد: «اکبر گروه‌ها و سازمان‌های مارکسیستی ایران از استالین پیروی کردند و این بر رویکرد آن‌ها نسبت به مسائل اجتماعی به ویژه دمکراسی تأثیر منفی گذاشت.» (ص ۲۶۶) البته نویسنده محترم در این زمینه فراتر نمی‌رود و به مصادیق تبعات چنین رویکردی نمی‌پردازد. تبعیت از استالین که داستان خشونت‌های وی با مخالفان فکری‌اش زبانه‌زد عام و خاص است طبعاً رفتاری خشن را بر مناسبات جریان‌های چپ حاکم می‌ساخت. این‌گونه مناسبات را به خوبی می‌توان در سازمان‌های چپ دنبال کرد. برای نمونه، بعد از سه دهه دست‌کم برخی اعضای شورای مرکزی چریک‌های فدایی خلق به حذف فیزیکی اعضای منتقد به برخی تصمیمات و

سیاست‌های رهبری سازمان اذعان دارند: «درباره اسد و عبدالله چه می‌توان گفت با چه رویی، چه اندیشه‌ای چگونه می‌توان از این تراژدی سخن گفت و چگونه می‌توان قلم راند... فداییان خلق ایران... در برابر مادران و پدران و ایرانیان و جهانیان، در برابر انسان که زندگی و ادامه حیات، جزو ابتدایی‌ترین حقوقشان است، زانو می‌زنند و سرتعظیم فرو می‌آورند که فراموش نکنید خطای ما را، اما ببخشید ما را» (مقاله قربانعلی عبدالرحیم‌پور، عضو شورای مرکزی چریک‌های فدایی خلق، مجله آرش، چاپ فرانسه، شماره ۱۰۰، سال ۱۳۸۷، صص ۱۵۷-۱۵۶)

این تلاش همین عضو شورای مرکزی فداییان خلق برای نسبت دادن روش‌های حذف فیزیکی به باورهای سنتی و دینی جای تأمل بسیار دارد: «جریان فداییان عنوان یک جریان چپ با وجود همه ایرادات فکری، سیاسی و تشکیلاتی، جزو آن نبردهای مدرن جامعه بود که تلاش می‌کند از فکر و فرهنگ سنتی - دینی تاریخ شکن گشته و واقعاً موجود در جامعه، فاصله بگیرد و از آن جدا شود. اگرچه این مقاله سعی برداختن به این موضوع مهم نیست ولی جا دارد به‌طور مختصر بگویم که اشتباهات و ایرادات (نظیر کشتن رفقا اسد و عبدالله پنجه شاهی)، ریشه در همان فکر و فرهنگ سنتی و عقب مانده در جامعه و میان جریان فدایی (ما) داشت که می‌کشید ما را در سمت خود خواسته روانه کند. فداییان باکی از این ندارند که وجد در حضور افکار سنتی در فکر و فرهنگ و سیاست مدرن خود را آشکارا به نقد بکشند» (همان، ص ۱۵۱) این مقاله خود، به حد کفایت، گویای همراهی این قبیل به اصلاح روشنفکران، با بیگانه با هدف تحقیر سنت‌ها و اعتقادات این مرز و بوم است. تبعیت این گذاشتن، چپ‌گرایان از مشی استالینیستی را به حساب باورها و سنت‌های ایرانی گذاشتن، عمق بیگانگی با تعلقات خویشتن را نشان می‌دهد و توجیه تسلیم محض شدن در برابر تئوری‌های وارداتی است. درک این مطلب چندان دشوار نیست که نیروهای تحقیرکننده جامعه از یک سو نمی‌توانند با مردم ارتباطی سازنده برقرار سازند و از سوی دیگر به دلیل ترویج فرهنگی کاملاً بیگانه، جذب توده‌ها به سوی این اندیشه وارداتی به هیچ وجه ممکن نخواهد بود؛ لذا تنها راه پیش روی



این به اصطلاح نیروهای «مدرن» توسل به زور برای کشانیدن جامعه به سوی ایده‌آل‌های آنان است. یکی از دلایل عدم پیشرفت جامعه ایران در قرن اخیر در زمینه آزادی و حقوق مدنی را نیز می‌بایست در این اعتقاد روشن‌فکران غرب‌گرا و شرق‌گرا جست که ملت ایران را می‌بایست با اعمال زور به سوی ترقی سوق داد!

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران  
عباس سلیمی نمین  
اسفند ۱۴۰۱

www.ketab.ir



  


## [زندگی نامه نویسنده اثر]

مازیار بهروز در اسفند ماه سال ۱۳۳۷ خ. در منطقه تهران پارس شهر تهران به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی و بخشی از دبیرستان در این شهر در سال ۱۳۵۴ در حالی که تنها ۱۶ سال داشت برای ادامه تحصیل راهی انگلیس شد و دیپلم متوسطه اش را در این کشور اخذ کرد. سپس با ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی (لیسانس) به آمریکا سفر نمود و در سال ۱۹۸۱ م. از کالج سنت مری در شمال کالیفرنیا مدرک کارشناسی تاریخ و علوم سیاسی گرفت و سپس برای گذراندن مقطع کارشناسی ارشد به دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سانفرانسیسکو رفت و در سال ۱۹۸۶ م. در رشته «تاریخ جدید اروپا» فارغ التحصیل شد و سپس به لس آنجلس رفت و در دانشگاه کالیفرنیا (یوسی ال ای) به ادامه تحصیل پرداخت و سال ۱۹۹۳ م موفق به اخذ دکتری خود در رشته «تاریخ دوران جدید خاورمیانه» از این دانشگاه شد. پدر وی جهانگیر بهروز یکی از روزنامه نگاران چپ و از اعضای حزب توده ایران بود؛ لذا وی دانشنامه دکتری خود را با عنوان *Rebels With a Cause The Failure of the Left in Iran* به

جریان‌های سیاسی چپ‌گرا در ایران معاصر اختصاص داد. ترجمه این دانشنامه بعدها با تغییراتی تحت نام «شورشیان آرمانخواه» (کتاب حاضر) وارد بازار نشر ایران شد. مازیار بهروز مدت سه سال استاد مدعو در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی بود و هم‌اکنون به‌عنوان دانشیار در دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو در رشته تاریخ به تدریس مشغول است. اثر بعدی وی با عنوان «تأملاتی پیرامون شورشیان آرمانخواه» نیز در تهران منتشر شده است که در واقع تکمله دانشنامه دکتری وی محسوب می‌شود.

ازیار بهروز تیرماه ۱۴۰۱ بازدیدی از کتابخانه «خانه تاریخی اردیبهشت» عودلان، واقع در منطقه ۱۲ تهران داشت (خانه‌ای که قدمت آن به دوره زندیه می‌رسد) طی آن قول اهدای کتاب‌های دو کتابخانه فامیلی خویش را داد.